

تاریخ جامعه‌شناسی تاریخ جامعه‌شناسی تاریخ

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز
دکتر ناصر صدقی

یکی از مشکلات عرصه‌ی پژوهش‌های تاریخی در ایران، نبود شناخت کافی در مورد حوزه‌هایی چون تاریخ جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی است. حاکم بودن سنت دیرینه‌ی تاریخ‌نویسی سیاسی و سیاست‌محور در عرصه‌ی پژوهش‌های تاریخی و فقر مطالعات مربوط به تاریخ اجتماعی و فقدان آشنایی روشن‌مند با روش‌ها و اصول پژوهش در حوزه‌هایی چون تاریخ جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناسی تاریخی، گام گذاشتن در حوزه‌هایی پژوهشی چون تاریخ جامعه‌شناسی تاریخی را برای غالب مورخان ناماؤس ساخته است. به طوری که حتی در سر فصل‌های دروس رشته‌ی تاریخ در تمام مقاطع و گرایش‌ها، که غالب آن‌ها محسوب نزدیک به سه دهه قبل است، هیچ جایگاهی برای آشنایی دانشجویان تاریخ با موضوعات و روش‌های مربوط به تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی یا تاریخ جامعه‌شناسی در نظر گرفته نشده است. به عنوان مثال، وقتی هنوز در جامعه‌ی علمی ایران در ابتدای راه تعریف موضوع برای تاریخ گرفتاریم، چه برسد به گونه‌ها و روش‌های پژوهش در آن، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم در تعریف عرصه‌های پژوهشی چون تاریخ اجتماعی، تاریخ جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی تاریخی و کیفیت و انواع بیانش و روش‌های حاکم در هر کدام دارای درک و تفاهم مشترک علمی باشیم؟ البته آنچه در این مقال مورد توجه است، تأمل در معنا و رابطه‌ی تاریخ جامعه‌شناسی با جامعه‌شناسی تاریخی است و توجه به حوزه‌ی چون تاریخ اجتماعی و نوع رابطه‌ی آن با حوزه‌های پژوهشی مذکور و نوع بیانش و روش حاکم در آن می‌تواند موضوع بحث دیگر باشد. همین اندازه می‌توان گفت که برای آشنایی با بیانش و روش پژوهش در تاریخ اجتماعی همه‌جانبه‌نگر، توجه به کارنامه‌ی مکتب تاریخ‌نویسی آنال می‌تواند راهگشا باشد.^۱ امر مسلم این است که از حیث کیفیت موضوع و روش بین «تاریخ اجتماعی» با حوزه‌هایی چون «تاریخ جامعه‌شناسی» و «جامعه‌شناسی تاریخی» با وجود مشترکات نسبی، تفاوت‌های اساسی وجود دارد. اما در مورد نوع رابطه و معنای تاریخ جامعه‌شناسی (sociological history) و جامعه‌شناسی تاریخی (Historical sociology) باید گفت که به مانند واژه جامعه‌شناسی، هر دو واژه و به تبع آن هر دو حوزه مطالعاتی، در سنت علمی مربوط به مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسی ایران وجود نداشتند و در اصل برگرفته از ادبیات علمی علوم اجتماعی در مغرب زمین هستند. علی‌رغم این که در ادبیات علمی مغرب زمین، حوزه‌ی مطالعاتی مستقل و تعریف‌شده‌ای موسوم به تاریخ جامعه‌شناسی هنوز چندان جایگاه تعریف شده‌ای ندارد، اما غالباً منظور و اراده‌ی پژوهشگران از

تاریخ جامعه‌شناسختی، بیشتر آن نوع پژوهش در عرصه‌ی تاریخی است که با بینش و روش‌های «رسوم در انسان‌شناسی فرهنگی» و «جامعه‌شناسی تفسیری صورت می‌گیرد». درواقع تاریخ جامعه‌شناسختی بیشتر در جایگاه استفاده از روش‌های مرسوم در تاریخ اجتماعی و انسان‌شناسی و «جامعه‌شناسی در مطالعه پدیده‌های تاریخی» قرار می‌گیرد. یعنی در این حوزه‌ی مطالعاتی تلاش می‌شود با استفاده از نظریات انسان‌شناسختی و «جامعه‌شناسی و روش‌های مرسوم در تاریخ اجتماعی، به فهم و تحلیل پدیده‌های تاریخی پردازند». اما حوزه‌ی مطالعاتی موسوم به «جامعه‌شناسی تاریخی» که در آن هم از بینش و روش‌های جامعه‌شناسختی در مطالعات تاریخی استفاده می‌شود، از حیث روش و بینش و موضوعات مطرح در آن، شرایطی به‌مراتب بهتر و شناخته شده‌تر از تاریخ «جامعه‌شناسختی» در مجامعت علمی دارد و در این حوزه، مقالات و کتب تحقیقی متعددی وجود دارد که اخیراً معمودی از آثار مربوط به مسائل مطرح در آن به فارسی ترجیح شده است.^۲ اما هنوز مشکل فقطان مرزهای مخصوص و تعریف شده بین روش و بینش حاکم در تاریخ «جامعه‌شناسختی» و «جامعه‌شناسی تاریخی» به عنوان حوزه‌هایی پژوهشی مستقل و مرتبط با موضوع تاریخ به قوت خود باقی است و به همین خاطر با وجود برخی شباهتها و بکسانی در نوع بینش و روش‌های پژوهش در هر کدام، برای دچار نشدن به ابهام و سوءتفاهم در معنا و رابطه‌ی حوزه‌های مطالعاتی مذکور، در اینجا ضرفاً به تعریف جایگاه «جامعه‌شناسی تاریخی» در مطالعات تاریخی پرداخته می‌شود. البته باید مذکور شد که داشت موسوم به «جامعه‌شناسی تاریخی» هم علی‌رغم ساخته طولانی آن در مغرب زمین^۳ هنوز در سراسر علمی ایران چندان پشتونه و سابقه‌ی علمی که مبتنی بر داشت تاریخی و «جامعه‌شناسختی» منطبق با واقعیات تاریخی جامعه‌ی ایرانی باشد، ندارد. این امر در حالی است که آشنایی با روش‌های این حوزه‌ی پژوهشی در مطالعات تاریخی می‌تواند در فهم بسیاری از مسائل تاریخی کوئی راهگشا باشد.

جامعه‌شناسی، تاریخی، چیست و نوع پیشش و روش‌های حاکم بر آن گدام‌اند؟

جامعه‌شناسی تاریخی علمی است که در آن تغییر و تحولات جامعه‌ی انسانی در عرصه‌ی تاریخی و رایطله‌ی آن با وضع موجود را از طریق مفاهیم و نظریات جامعه‌شناختی، در دو شکل یافتن رایطله‌ی علی

بین پدیده‌های مورد بحث (کنشگران و ساختارها)، فهم و ساخت معنی پدیده‌ها، مورد بیسیم و بیزرسی قرار می‌گیرد.^{۱۰} نظریه‌ی اجتماعی در عرصه‌ی مطالعه‌ی پدیده‌های تاریخی، به هدف شناخت کنش و

ساختارها و فضای مناسبات اجتماعی حاکم در آن می تواند به دو شیوه شکل گیرد:
۱- تحقیق تاریخی جهت مطالعه و شناخت جزئیات تاریخی، تعمیم نتایج حاصل از تحقیق در شکل

شباہت‌ها و تفاوت‌ها و طرح الگوی شناخت و معرفت کلی از طریق ایجاد تنوری و نظریه‌پردازی
۲- طرح و ساختن گمانه‌های فرضیه‌ها که جریان تحقیق را شکل داده و هدایت می‌کند، آزمون پیش‌فرض‌ها

شیوه‌های اول در طرح نظریه مبتنی است بر روش استقراء و اساس شیوه‌ی دوم، بر روش قیاسی قرار و فرضیات از طریق مطالعه‌ی واقعیات تاریخی و تشکیل و طرح نظریه در صورت اینها فرضیات .

دارد. در هر دو مورد، بخشی از نظریه متشکل از مقابله‌ی است که نماید از عنصر دهیت و خایجه آن در شناخت و مطالعه‌ی پدیده‌های تاریخی است. مجموعه‌ی اخبار و روایات مربوط به وقایع تاریخی ۵. د. حکم عناصر عنین. واقعی، دیگر نعد نظر بی اجتماعی، را در مطالعات تاریخی شکل می‌دهند.

نمودار می‌شود که در این روش نظریات اجتماعی حاصل تأکید یک جانبه بر یک یا چند جنبه از واقعیت در مطالعات تاریخی، مفاهیم و نظریات اجتماعی حاصل تأکید یک جانبه بر یک یا چند جنبه از واقعیت بدد. مثلاً تاریخ اسلام فهم معنای بدیده‌ها با ابطه‌ی علم، بین آرها و ترکیب تتابع کلی حاصل از

و در سلسله ایشان مفاهیمی می خواهیم که در حکم چارچوبی فکری و مشکل از مجموعه مفاهیم منظم و مرتب
برخلاف دیدگاه انبارگرانیه، در حکم چارچوبی فکری و مشکل از مجموعه مفاهیم منظم و مرتب
است، فاصله اینها دو فانداز تحقق ندارد بلکه خود بخش از معرفت تاریخی بوده و نشأت

گرفته از مطالعه‌ی پدیده‌های تاریخی است و به‌تun آن، مین معنا و صفات اساسی وقایع تاریخی مورا اس است که صرفاً جنبه‌ی تبریزی می‌تراند، ممکن نمی‌باشد. روابطی

مطالعه است: چنان‌که در سار عصر پیش از میلاد میان این دو نظریه بر مبنای اطلاعات و داشت و معرفت طبقه‌بندی شده‌ی حاصل از مطالعه پدیده‌های تاریخی شکل گرفت. از این‌جا تا امروز نظریه این دو مفهوم با نظریه‌ای یک

سو حاصل پیش‌فرض‌های تعریف شده‌ی محقق و اندیشمند در بررسی پدیده‌های مورد مطالعه و از دیگر می‌کنند. این فرایند را می‌توان جریان تحریر معتبر مانتهای علمی نیز خواند.

تاریخ جامعه‌شناسختی بیشتر در جایگاه استفاده از روش‌های مرسوم در تاریخ اجتماعی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی در مطالعه‌ی پدیده‌های تاریخی قرار می‌گیرد

سو، نتیجه‌ی شناخت و معرفت به دست آمده از مطالعه‌ی مجموعه‌ی واقایع و پدیده‌های تاریخی است. به تبع این شرایط، هر مفهومی نه شکل کاملاً انتزاعی و فرضی دارد و نه بیان کننده و بازتابی از عین واقعیات تاریخی با پیچیدگی‌های متعدد آن است. درواقع به علت عنصر ذهنیت و پیش‌فرض حاکم در شکل دهنی به مقاهم و نظریات، آن‌ها هیچ گاه نمی‌توانند عین واقعیات تاریخی باشند.^{۱۲}

به تبع شرایط مذکور، از حیث منطق روش‌شناسختی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی تاریخی، بین نظریه‌ی اجتماعی، به عنوان ساختاری مفهومی و تاریخ، به عنوان مجموعه‌ی از واقایع و رویدادها یا خباری در مورد واقایع و رویدادها، رابطه‌ی متنقابل، منطقی و معنادار حاکم است و تلاش می‌شود با تکاء به معرفت تاریخی منطقی و عقلانی که در شکل مقاهم و نظریات ظاهر می‌شود، رابطه‌ای سازنده و پویا بین جزئیات و پیچیدگی‌های واقعیات تاریخی و نظریات و مقاهم کلی جامعه‌شناسختی، که بیان کننده و پیشگی‌های تغییرات و ساختارها و کنش‌های اجتماعی هستند، برقرار گردد. به عبارت دیگر، در حوزه‌ی جامعه‌شناسی تاریخی، از بعد روش تلاش می‌شود بین نظریه، به عنوان ساختاری مفهومی و تاریخ، به عنوان مجموعه‌ی واقایع و رخدادها یا اخباری در مورد رخدادها، رابطه‌ای معقول و منطقی برقرار شود و از حیث بینش، سازوکارها و روابط علی حاکم بین رخدادها و کنش‌های فردی و امور جزئی تاریخی و ساختارهای انسانی حاکم در جامعه، از طریق قاعده‌ی تعیین در شکل مقاهم و نظریات جامعه‌شناسختی توصیف و تبیین شود.^{۱۳}

درواقع استفاده از مقاهم و الگوها در مطالعات تاریخی به این هدف صورت می‌گیرد که از آن طریق بتوان به بخشی از پیچیدگی‌های واقعیات تاریخی دست یافت. چراکه ابداع و به کارگیری مقاهم در بررسی پدیده‌های تاریخی در حکم غایت پژوهش علمی نیست، بلکه در حکم روش و وسیله‌ی تحقیق است. چراکه با کاربرد مقاهم دقیقاً تعریف شده و تلفیق مقاهم گوناگون، می‌توان فاصله‌ی موجود بین مقاهم ذهنی و واقعیت و بخشی از پیچیدگی‌های واقعیات تاریخی را درک کرد.^{۱۴} البته با این ملاحظه که مقاهم در برگیرنده‌ی کل ترکیبات و پیچیدگی‌های پدیده‌های تاریخی و اجتماعی مورد مطالعه نیستند، بلکه به نوعی چکیده و در برگیرنده‌ی ترکیبات اساسی یک واقعیت و پدیده‌ی اجتماعی و تاریخی هستند. درواقع مقاهم تقریبی از واقعیت اجتماعی هستند و نمی‌توانند آینه‌ی تمام‌نمای واقعیت باشند.^{۱۵}

بعد دیگر رابطه‌ی بین نظریه و تاریخ در حوزه‌ی جامعه‌شناسی تاریخی این است که نظریه به عنوان عنصری مفهومی در عین حال که مبتنی بر معرفت پدیده‌های تاریخی مورد مطالعه است، به عنوان عنصری معرفت و جهت‌دهنده به تحقیق، در راستای مطالعه و تبیین پدیده‌های تاریخی مشابه به کار گرفته می‌شود^{۱۶}. آنچه در این فرایند بین نظریه و تاریخ به عنوان یک اصل و معیار مورد نظر است، این است که اولاً نظریه‌ی اجتماعی باید حاصل مطالعه‌ی حداکثری واقعیات تاریخی و تابع تنایح حاصل از این فرایند باشد و ثانياً حداکثر انطاقد و کارایی را در تحلیل و تبیین پدیده‌های تاریخی مورد مطالعه داشته باشد. وجود ضعف و نقصان در هر دو بعد قضیه، نشانگر ضعف و عدم کارایی یا کارایی اندک نظریه‌ی اجتماعی در تبیین و توضیح وقایع تاریخی است و طبیعی است که در چنین شرایطی، نظریه‌ی دارای کارایی و قدرت تحلیلی اندک، بهتر است کنار گذاشته شده و نظریات جدید، که قدرت تحلیل و تبیین حداکثری پدیده‌های تاریخی را داشته باشند، جایگزین گردند.^{۱۷} چراکه نظریات و مقاهم مطرح در هر دوره‌ای، حاصل سطح دانش و معرفت به دست آمده تا آن زمان در مورد پدیده‌های مورد مطالعه است. با توجه به این که دانش و معرفت بشری در مورد پدیده‌های اجتماعی پیوسته در طول زمان در حال تغییر و تکمیل است، به تبع



جامعه‌شناسی تاریخی علمی است که در آن تغییر و تحولات جامعه‌ی انسانی در عرصه‌ی تاریخی و رابطه‌ی آن با وضع موجود از طریق مفاهیم و نظریات جامعه‌شناسی، در دو شکل یافتن رابطه‌ی علی بین پدیده‌های مورد بحث (کنشگران و ساختارها)، و فهم و شناخت معنای پدیده‌ها، مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد

جامعه‌شناسی تاریخ

آن نظریات و مفاهیم هم به عنوان دستاوردهای فکری بشر در حوزه‌های مختلف مطالعاتی، باید منطبق با سطح دانش هر دوره، تغییر و تکمیل و جایگزین شوند.

پی‌نوشت

۱. گفتگوی «بروشهای تاریخی، بحثی و روشن»، کتاب ماه تاریخ و چهارمین تیر، شماره ۱۴۶، صص ۷۵-۱۲.
۲. Breisach, Ernest, 1983, Historiography, the University of Chicago press, Chicago, pp.370-378.
۳. Amazon.com
۴. Stringer, Martin, 2005, A sociological History of Christian Worship, united kingdom, Cambridge University, p.vii)
۵. Stringer, 2005, p.viii.
۶. دکتر هاشم آقاجری اخیراً تلاش‌های ارزنده‌ای را در ترجمه و معرفی برخی اثار تألیف شده در زمینه سایقه‌ی شک گیری دانش جامعه‌شناسی تاریخی در «روبا و روشن» و دیدگاه‌های به کار رفته در حوزه‌ی این علم، توسط بخش نمایندگان مطرح جامعه‌شناسی تاریخی انجام داده است که عبارتند از:
 - الف: اسکاچبول، تدا (۱۳۸۸)، بینش و روشن در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه‌ی دکتر سید هاشم آقاجری، نشر مرکز، تهران.
 - ب: اسمیت، دنیس (۱۳۸۶)، برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه‌ی دکتر سید هاشم آقاجری، انتشارات مروارید، تهران.
 - ج: همیلتون، گری جی، کولینز، رنال (۱۳۸۵)، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه‌ی دکتر هاشم آقاجری، انتشارات کویر، تهران.
 - د: اسکاچبول (۱۳۸۸)، ص ۴۹۹.
 ۷. ر.ک. اسمیت، دنیس (۱۳۸۶)، برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه‌ی دکتر سید هاشم آقاجری، تهران، انتشارات مروارید.
 ۸. اسکاچبول (۱۳۸۸)، ص ۱۶ و ۲۵۸.
 ۹. اسمیت (۱۳۸۶)، ص ۱۶ و ۲۵۸.
 ۱۰. آرمانی، فرهاد (۱۳۵۸)، تکامل فنودالیسم در ایران، ج ۱، خوارزمی، تهران، ص ۱۹.
 ۱۱. وبر، ماکس (۱۳۸۲)، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، نشر مرکز، تهران، صص ۱۴۰-۱۴۱ و Miller, S.M. (1963); Max Weber, Thomas Crowell Company, New York, pp.27-29
 12. Wrong, Dennis, 1970; **Makers of Modern social science**, prentice hall, New Jersey pp.153- 154.
 13. Abrams, Philip, 1982, **historical sociology**, Open books, England, pp.16 and 108.
 ۱۴. آرون، ریمون (۱۳۷۰)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهاشم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، ص ۵۶۴.
 ۱۵. Parkin, frank, (2002) **Max Weber**, revised edition, Rutledge, London, p. 128.
 ۱۶. Wrong, 1970, p. 153 و وبر، ۱۳۷۰؛ صص ۱۴۰-۱۴۱ و آرون، ۱۳۷۰؛ صص ۵۶۱-۵۶۳ و هبیوز، استوارت (۱۳۵۹) آگاهی و جامعه، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ص ۳۷۹.
 ۱۷. وبر (۱۳۸۲) صص ۱۶۱-۱۶۳.